

ارزیابی فرصتها و چالشهای سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا در قبال ایران (1991-2021)

فرانک خودنگاه^۱، داود کیانی *^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۶

چکیده: اتحادیه اروپا به عنوان بازیگر خارجی در نظام بین الملل بیشترین پتانسیل را در روابط دو طرفه با ایران داشته است. علیرغم تمام چالش ها و موانع موجود در روابط فی ما بین هر دو بازیگر با وجود داشتن دیدگاه های متفاوت در بعضی حوزه های چالش برانگیز و همچنین فشار های بازیگران خارجی همچون ایالات متحده، به دلیل وجود مزیت نسبی در حوزه هایی از همکاری نیز سعی در بهبود و گسترش روابط خود داشته که بسیار تعیین کننده و قابل اهمیت می باشد. این پژوهش بر مبنای روش توصیفی - تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه ای - به این سؤال اصلی پاسخ دهد که چه مؤلفه هایی عامل ارتقاء روابط این دو بازیگر و چه عواملی به عنوان موانع و چالش برای مناسبات این دو قلمداد گردیده است؟ بر اساس یافته های این پژوهش اینگونه بنظر می رسد که: اتحادیه اروپا با توجه به فشار و تبلیغات منفی آمریکا و به رغم اختلاف نظرهایی که با جمهوری اسلامی ایران بر سر مسائلی چون حقوق بشر، مسئله هسته ای و موضوع تروریسم، بی ثباتی و جنگ تسلیحاتی در خاور میانه دارد، منافع مشترکی نیز در قالب امنیت انرژی و سرمایه گذاری خارجی دارد و نیز اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران و وجود ظرفیتهای بسیار آن در ایجاد ثبات و امنیت منطقه ای حائز اهمیت است. اتحادیه اروپا در تلاش است با تعمیق روابط خود با ایران و نفوذ خود را در کل منطقه افزایش دهد.

واژگان اصلی: اتحادیه اروپا، حقوق بشر، تروریسم، مسئله هسته ای، ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک.

^۱ دانشجوی دکتری روابط بین الملل - دانشگاه آزاد واحد قم. khodnegah.f@gmail.com

^۲ دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم (نویسنده مسؤول). d.kiani@outlook.com

مقدمه

بطور کلی روابط ایران و اتحادیه اروپا طی چند دهه با چالش‌ها و موانعی روبرو بوده است در کنار این موانع، فرصت‌ها و منافع متقابلی نیز وجود داشته است. مهمترین چالش میان ایران و اتحادیه اروپا در بدو امر تفاوت ساختار سیاسی طرفین است، شکاف هویتی میان ایران و اتحادیه اروپا پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از مهمترین چالش‌هایی است که میان این دو بازیگر بین‌المللی صدق می‌کند. سالهای ۱۹۹۷ اتحادیه با در پیش گرفتن گفتگوهای انتقادی و سازنده، علیرغم نگرش‌های منفی آمریکا نسبت به این روابط، فرصت را مغتنم شمرده و سطح روابط خود را با ایران ارتقا بخشید. هر چند در این دوران نیز مسائلی چون تروریسم و مسئله حقوق بشر از جمله موانعی بود که باز روابط این دو بازیگر را تحت تأثیر قرار داد. نظر به اینکه ایران قطعاً یکی از کلیدی‌ترین بازیگران در منطقه غرب آسیا است، کشوری که بسیار بزرگتر از آن است که اتحادیه بتواند آن را در مسائل منطقه و مذاکرات برای ایجاد ثبات، نادیده انگارد همین‌طور سیاست جدی این کشور در مقابله با تروریسم، تا حدودی زمینه‌ساز نزدیکی اتحادیه به ایران شده است، اما جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران و وجود منابع انرژی، می‌تواند روابط را برای اتحادیه اروپا ضرورت دانست. مسئله امنیت انرژی نیز از جمله مواردی است که اروپا ایران را به عنوان یک منبع صدور انرژی برای جایگزینی روسیه بداند هر چند وقوع این مسئله مستلزم رفع تحریم‌ها خواهد بود، منابع غنی انرژی ایران و پیش‌بینی رقابت‌های سیاسی آینده در بازار انرژی منطقه میان آمریکا، اروپا و دیگر کشورهای اصلی از عوامل مهم و تأثیرگذار در روابط ایران و اتحادیه را می‌توان فاکتور اقتصادی و روابط تجاری دانست که نقش تعیین‌کننده‌ای را در روابط دو طرف ایفا نموده است (Korteweg, 2013: 23). طی ۶۰ سال گذشته روابط ایران و اروپا با فراز و نشیب‌های بسیاری روبرو بوده است. با توجه به تعامل ج.ا.ایران با اتحادیه اروپایی در چارچوب روابط دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی و یک رابطه خوب و مناسب با اتحادیه اروپایی قابل توجه است. از نظر اقتصادی نیز در مقطع فعلی، اتحادیه به شدت نیاز دارد تا اوضاع اقتصادی را سامان بخشد، زیرا بدون دستیابی به این مهم، انگیزه‌ای برای اعضا در جهت ادامه عضویت باقی نمی‌ماند، ایجاب می‌کند اروپا روابط خود را با ایران به عنوان محور ثابت و مرکز ثبات در منطقه حفظ نماید. با توجه به دلایل فوق، چشم‌انداز آینده روشنی در روابط طرفین قابل رؤیت است و این روابط می‌تواند بر پایه‌های مزبور استوار گردد. در دو سال پایانی دور دوم ریاست جمهوری خاتمی و با مطرح شدن موضوع هسته‌ای ایران، روابط ایران و اتحادیه اروپا کاملاً تحت تأثیر این موضوع قرار گرفت و مجدداً دچار نوسان گردید تا اینکه در انتخابات نهم ریاست

جمهوری، محمود احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور جدید ایران انتخاب شد. نتیجه گیری باعث شد تا دولت نهم سیاست "تهاجمی و تقابلی" در برابر غرب را در پیش بگیرد. اوج مواجهه و مبارزه جویی با غرب در پرونده هسته ای نمودار شد به طوری که آمریکا با حمایت کشورهای عضو اتحادیه اروپا پرونده هسته ای ایران را به شورای امنیت سازمان ملل فرستاد و در پی آن چندین قطعنامه به منظور تحریم ایران به تصویب رساندند. تغییر مسیر پرونده هسته ای جمهوری اسلامی ایران از شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی به سوی شورای امنیت سازمان ملل منجر به کمرنگ تر شدن نقش اتحادیه اروپا در مذاکرات هسته ای و توجه بیشتر ایران به مذاکره با کشورهای همچون چین و روسیه و کشورهای عضو جنبش عدم تعهد گردید. این عوامل منجر گردید تا روابط جمهوری اسلامی و اتحادیه اروپا در این دوره کاهش یابد و مطرح کردن هولوکاست توسط آقای احمدی نژاد بر این مورد افزود. باروی کار آمدن دولت روحانی که حل مسئله هسته ای از طریق دیپلماسی اعتمادسازی را اولویت اول خود قرار داده است، شاهد رویکرد مثبت اتحادیه اروپا به ایران هستیم. دولت حسن روحانی و گفتن اعتدالی، چشم انداز روابط بین ایران و اتحادیه اروپا به سوی تنش زدایی بوده است. یکی از عوامل عمده در تسریع روابط دو طرف روند افزایش مبادلات تجاری و صادرات انرژی است. لذا، تصور بهبود روابط ایران با اتحادیه اروپا در سال های آینده چندان دشوار نیست؛ اما واقعیت این است که تحقق این موضوع ارتباط نزدیکی با برنامه هسته ای ایران و حذف تحریم ها دارد.

در این مقاله ما بر آنیم تا در بحث ارزیابی روابط ج.ا.ایران با اتحادیه اروپایی به چالش های اصلی اروپا، مشکلات و نوسانات موجود، همینطور فرصتها، در روابط با ایران بپردازیم.

چارچوب نظری:

با بررسی روابط اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران و تحولات و تغییراتی که در روابط فی ما بین از ابتدای انقلاب اسلامی ایران وجود داشته است این موضوع مطرح است که براساس کدامیک از نظریه های روابط بین الملل، روابط طرفین مورد تجزیه و تحلیل قرارگیرد.

رئالیسم یا واقع گرایی از مهمترین و قدیمیترین نظریه های روابط بین الملل است. واقع گرایان دولت را بازیگر اصلی سیاست بین الملل تلقی می کنند، سایر بازیگران مانند شرکتهای چند ملیتی و به طور کلی سازمانهای غیر حکومتی، در چهارچوب روابط میان دولتها عمل می کنند، در حالی که دولتها در سطح داخلی با اقتدار عمل می نمایند، در سطح خارجی در همزیستی به سر میرد در چنین محیطی

برای تأمین امنیت، بازار و جز اینها با یکدیگر به رقابت می‌پردازند (قوام، ۱۳۸۴: ۸۰). سیاستگذاری خارجی آنها، چه به صورت انفرادی یا در قالب دسته جمعی و اتحادیه‌ها است. با توجه به بررسی و تغییرات روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا نظریه واقع‌گرایی به عنوان چارچوب نظری این موضوع مورد نظر نمی‌باشد. با بررسی متغیرها و عناصر موثر در فراز و فرود روابط طرفین طی سه دهه اخیر نشان می‌دهد که چالشها و قابلیت‌های آنها بیش تر خاستگاه داخلی داشته‌اند تا خارجی. در حالی که از نظر رئالیسم دولتها بدون عنایت به شرایط و محیط داخلی شان و نوع ساختار و نظام سیاسی حاکم و توزیع قدرت داخلی و فرهنگ سیاسی و اخلاقیات حاکم بر آمده، در سطح نظام بین الملل بایستی برای حفظ و توسعه امنیت و منافع ملی در بیرون از مرزهای ملی سیاستگذاری و آنرا عملیاتی کنند. نظریه لیبرالیسم در شاخه کارکردگرایی^۱ و نوکارکردگرایی^۲ بر همکاری دولتها درحوزه های فنی، اقتصادی و صنعتی تأکید دارد. هر دو نظریه بر مبنای این دیدگاه استوارند که طبق نظریه بخشها در حوزه اقتصاد سیاسی قرار دارند.

ارنست هاو معتقد است که علاوه بر تبیین و شناخت همگرایی اروپایی در حوزه های اقتصادی و سیاسی، قادر به درک همگرایی منطقه ای و همکاری های بین المللی نیز باشد و به این امر می‌پردازد که چگونه می‌توان فراتر از ملت- دولت رفت (قوام، کیانی، ۱۳۹۰: ۳۳). میترانی همکاری در عرصه سیاست پائین یا ملایم^۳ در بین دولتها طی یک فرآیندی شکل می‌گیرد و این همکاری کارکردی ادامه پیدا میکند و از بستر اقتصادی، اجتماعی و فنی به حوزه همکاریهای سیاسی و امنیتی یا سیاستهای عالی^۴ سوپیدا میکنند. کارکردگرایی بر خلاف برداشتهای اولیه آرمانگرایان بجای هماهنگی منافع و یا منافع مشترک^۵ بازیگران تمرکز داشته و گروههای مشخص اهداف و منافع خاصی را دنبال می‌کنند و زمانی به ابزارهای فوق ملی یا نهادهای فراملی در علاقه نشان میدهند که این اقدام برایشان سودی داشته باشد. ارنست هاو با بکارگیری مفهوم «سرریزی»^۶ تأکید دارد که همگرایی در یک بخش وضعیتی را ایجاد میکند که همکاری در بخشهای دیگر را فراهم میکند و این همگرایی از بخشی به

¹ Functionalism

² New functionalism

³ Low politics

⁴ High politics

⁵ Common benefit.

⁶ Spill-over

بخش دیگر سرریز میشود که به آن همگرایی بخشی^۱ میگویند. نمونه این فرآیند همگرایی بین کشورهای اروپایی از دهه ۱۹۵۰ آغاز و با پشت سر گذاشتن موانع و مشکلات، نهایتاً با امضای پیمان ماستریخت در سال ۱۹۹۲ به ثمر نشست. (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۲۷-۴۵). پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در بهمن ۱۳۵۷ مسائل سیاسی داخلی، شرایط جنگ عراق علیه ایران و حمایت اروپایی از عراق، موضوع گروگانگیری اعضای سفارت آمریکا در ۹ نوامبر میلادی و صدور حکم ارتداد سلمان رشدی و فراخوانی سفرای کشورهای اروپایی، تلاشهای کشورهای اروپایی برای نزدیک شدن به جمهوری اسلامی ایران برای حفظ روابط اقتصادی و دیپلماتیک ناکام ماند. پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران در جنگ با عراق و عبور از سیاست خارجی دوران جنگ و پیروزی هاشمی رفسنجانی در انتخابات ۱۳۶۸ و تشکیل دولت سازندگی در داخل و آشتی با آنها اتحادیه اروپا با استقبال از این رویکرد، علاقمندی اش را برای برقراری رابطه با ایران نشان داد و خواستار گفتگو با ایران برای حل و فصل اختلافات فی مابین شدند. به دنبال این تغییرات اولین مرحله مذاکرات تحت عنوان گفتگوهای انتقادی از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ انجام شد که نتایج خوبی به همراه داشت. البته ایالات متحده آمریکا مخالف این گفتگوها بود در آوریل ۱۹۹۷ رای دادگاه میکونوس بر محکومیت برخی مقامات عالی جمهوری اسلامی به اتهام مشارکت در ترور ۴ تن از رهبران کرد ایرانی در رستوران میکونوس در سال ۱۹۹۲، روابط ایران و اتحادیه اروپا مجدداً متشنج شد و گفتگوهای انتقادی بی نتیجه ماند و سفرای اتحادیه اروپا تهران را ترک کردند و متقابلاً ایران سفرای خود را از کشورهای عضو اتحادیه اروپا فراخواند. (جعفری ولدانی، ۱۳۷۸: ۲۳۷-۲۵۶). مرحله دوم مذاکرات تحت عنوان گفتگوی تمدنها بعد از پیروزی محمد خاتمی در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ و اتخاذ سیاست تنش زدایی و گفتگوی تمدنها به عنوان رویکرد اصلی سیاست خارجی ایران آغاز شد. مهمترین نکته ای که با بررسی این تحولات و فراز و فرودها در روابط ایران و اتحادیه اروپا دارای حائز اهمیت است این است که چرا در چارچوب نظریه کارکردگرایی همکاریهای ایران و اتحادیه اروپا که در سطوح تجاری، اقتصادی طی سالهای ۱۳۷۲ تا آغاز بحران هسته ای تداوم داشت نتوانستند مشکلات موجود را حل نمایند و همکاری در سیاستهای پائین به همکاری در حوزه های سیاسی و امنیتی منجر نشود و این عدم موفقیت موجب شد که با کمک اروپایی پرونده ایران از آژانس بین المللی انرژی اتمی به

¹ Sector integration

شورای امنیت سازمان ملل انتقال پیدا کند. بنابراین به نظر میرسد نظریه کارکردگرایی نمیتواند این تغییر و تحولات و بین‌المللی در روابط آنها را تحلیل کند. برای بررسی روابط اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران سازه انگاری^۱ است. سازه انگاری به عنوان یکی دیگر از نظریه‌های روابط بین‌الملل محصول زبان شناختی ساختاری، نظریه سیاسی پست مدرن، نظریه انتقادی، نقد ادبی و مطالعات فرهنگی و رسانه ای است. در حقیقت یکی از وظایف این نظریه بازگشت فرهنگ و سیاستهای داخلی به عرصه نظریه روابط بین‌الملل است که فرهنگ، سیاست و جامعه داخلی که بار رفتار دولت و هویت آن در سیاست جهانی مرتبط می‌شود (قوام، ۱۳۹۴: ۱۲۶). این نظریه یک رویکرد ترکیبی از رئالیسم، لیبرالیسم و تئوریهای بازتابی^۲ است و به همین دلیل به نظریه میانه معروف است. سازه انگاری به تعاملات سیاست داخلی و خارجی دولتها می‌پردازد و دولت را به عنوان بازیگران اصلی بین‌المللی قبول دارد اما در کنار دولتها، به بازیگران دیگری هم در عرصه بین‌المللی تأکید دارد.

بر این اساس و رفتار دولتها صرفاً بر پایه منافع ملی نیست و عوامل متعددی از جمله تاریخ، قدرت انگاره‌ها، هنجارها، ارزشها در شکل دادن سیاست جهانی تأثیر گذارند (مشیرزاده، ۱۳۹۱: ۳۶۳). منافع و هویت دولتها از ابتدا تعیین نشده بلکه دائماً در حال تغییر می‌باشد هویت زیربنای کار اصلی آنهاست. هویت منافع دولتها و بازیگران و دوستان و دشمنان آنها را در معاهدات بین‌المللی شکل میدهد. در بررسی روابط ایران و اتحادیه اروپا از ابتدای انقلاب اسلامی تا سالهای اخیر نشان میدهد که نظریه‌های رئالیسم و لیبرالیسم بویژه از نو کارکردگرایی آن و قواعد و اصول این نظریه‌ها با تحولات ذکر شده در روابط آنها همخوانی ندارد در عوض نظریه سازه انگاری با توجه به اینکه عمده چالشها و مشکلات ایران و اتحادیه اروپا از ابتدای انقلاب اسلامی تا سالهای اخیر بیشتر مبتنی بر تعارضات فرهنگی و هویتی بوده و منافع ملی و الگوهای رفتاری آنها متأثر از منابع هویتی، فرهنگی و ارزشی بوده است (عباس اشقلی، ۱۳۸۸، صص ۲۶۶-۲۶۷). پس از پیروزی آقای حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری ۲۴ خرداد ۱۳۹۲ ایران، رویکرد جدید در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر پایه تعامل سازنده و تنش زدایی با اتحادیه اروپا بوده است. ملاقاتهای متعدد بین دو طرف زمینه را برای شکل‌گیری مجدد مذاکرات ایران با (۵+۱) پنج عضو شورای امنیت به علاوه آلمان و همینطور

^۱ Constructivism

^۲ Reflective

در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۳۹۲ در نیویورک که پیرامون پرونده هسته ای ایران از سر گرفته شد و طی دو سال مذاکرات فشرده در ۲۳ تیرماه سال ۱۳۹۴ منجر به موافقتنامه برجام شد. موفقیت در مذاکرات هسته ای به عنوان یک موضوع سخت و از نوع سیاستهای عالی که بر خلاف دیدگاه نوکارکردگرایی که شروع همگرایی را از سیاستهای پائین توصیه میکند، جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا برای اولین بار بعد از انقلاب اسلامی ایران با تفاهم بر موضوع سیاسی - امنیتی هسته ای ایران زمینه را برای توسعه همکاری های همزمان در حوزه های سیاسی امنیتی و اقتصادی و اجتماعی بیش از هر زمان دیگری مساعد میدانند و در این راستا اتحادیه اروپا استراتژی جدید توسعه همکاری ها در همه حوزه ها با ایران را با تصویب اکثریت اعضای پارلمان اروپایی در ۴ آبانماه ۱۳۹۵ اعلام کرد (قائم پناه، ۲۱۰-۲۰۹: ۱۳۹۷).

۱- چالشهای اتحادیه اروپا در مقابل ایران

الف: تفاوت هویتی

ایدئولوژی سکولار و لیبرال غربی یکی از مهم ترین محورهای فرهنگ غربی است. اتحادیه اروپایی به عنوان خاستگاه تاریخی تمدن غرب، نسبت به معیارها و ارزش های تمدن انسان - مدار خود همواره حساس بوده، بخصوص در زمینه حقوق بشر با دیدگاهی بنیادگرا و اصولی به موضوع می پردازد و از مواضع شدیدتر و جدی تری نسبت به آمریکا برخوردار است. اتحادیه به عنوان یکی از بازیگران اصلی نظام بین الملل، مدعی یک قدرت هنجاری در سیاست بین الملل است و رفتار خارجی آن بر همین مبنا شکل گرفته است. اصولا اروپاییان مدعی ارزش هایی چون دموکراسی، حاکمیت قانون، تساهل و مدارا هستند که از اروپا به نقاط دیگر جهان تسری یافته است و معتقدند که در احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی، حاکمیت قانون و تساهل و تعامل، در ترسیم مناسبات اتحادیه با سایر کشورها نقش کلیدی ایفا می کنند (امیر بیگ، ۱۳۹۱: ۱۲۵). فرهنگ های مختلف نقش بسزایی بر روابط خارجی کشورها دارند. تغییر هویت نظام ایران پس از انقلاب اسلامی و توجه به ایدئولوژی اسلامی در مقابل ایدئولوژی سکولار و لیبرال غربی و آموزه های جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی منجمله سیاست نه شرقی و نه غربی و دفاع از مستضعفین، شکاف هویتی و مفهومی بزرگی را میان ایران و اروپا ایجاد نموده و بنیان های ایدئولوژیک و هویتی دو طرف را در مقابل یکدیگر قرار داد. در مذاکراتی که در طی سال های گذشته بین دو طرف طبق عناوین مختلف

صورت گرفته، هدف طرف اروپایی این بوده تا نظام هویتی جمهوری اسلامی را در ابعاد مورد نظر خود به نحوی تضعیف نماید که حتی الامکان سازگاری بیشتری با هنجارهای اروپایی داشته باشد (همان).

اتحادیه اروپایی هنوز از یک سیاست خارجی مشترک برخوردار نشده است. در مسائلی چون ایران، تقریباً بالاترین حد همگرایی و اجماع نظر مشاهده می‌شود که به عناصر هویتی باز می‌گردد و به نظر می‌رسد کشورهای اروپایی وقتی به موضوعی چون ایران می‌رسند، قادرند هویت جمعی را در مقابل یک نظام هویتی و ایدئولوژیکی بیگانه قرار دهند. از طرفی تعامل با ایران برای انسجام اعضای اتحادیه اروپایی به ویژه در تدوین سیاست خارجی مشترک اروپا فرصتهای زیادی فراهم کرده است. در حالی که در مسائل مختلف بین‌المللی، ما شاهد شکاف‌های مختلف در میان اعضای اتحادیه بوده ایم.

ب- دیدگاههای متفاوت کشورهای عضو اتحادیه اروپا در قبال ایران

در اروپا و اتحادیه اروپا، نگاه یکسانی نسبت به ایران وجود ندارد. برای مثال سیستم سیاسی فرانسه به طور اساسی با بنیان‌های جمهوری اسلامی مشکل دارد به همین دلیل فرانسه در مورد عادی سازی روابط با ایران چندان تمایلی نشان نمی‌دهد، در حالیکه آلمان و ایتالیا همکاری و رابطه مستقیمی با ایران در ارتباط با ثبات سازی افغانستان و دیگر موضوعات منطقه ای دارند. همچنین برای برخی کشورهای اروپایی مانند دانمارک، سوئد و هلند، وضعیت حقوق بشر در ایران بسیار حائز اهمیت است و این چالش واقعی برای تعامل با ایران ایجاد می‌کند. برخی از کشورهای اروپایی هراس دارند که اگر با ایران به تعامل برسند، روابطشان با دولت‌های خلیج فارس و تا حدودی اسرائیل خدشه دار شود (سلطانی نژاد، شاهپوری، ۱۳۹۵: ۱۶۹).

ج: برنامه هسته‌ای ایران

اتحادیه اروپا همواره تلاش داشته روابط دوستانه ای را بر پایه همکاری و زمینه‌های مورد علاقه مشترک با ایران ایجاد نماید، اما در سالهای گذشته نگرانی‌های جدی درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران بر روابط میان ایران - اتحادیه اروپا سایه افکنده بود. اتحادیه اروپا تحریم‌های مذکور سازمان ملل را به طور کامل اجرا و تدابیر جامعی نیز در جهت تکمیل آنها اتخاذ نمود (نجات پور، ۱۳۹۴: ۷۵). افزایش اهمیت مسئله هسته‌ای ایران تا حدی که تمامی ابعاد وجودی این کشور را تحت تأثیر خود قرار دهد به سال ۲۰۰۳ میلادی باز می‌گردد. در ژوئن سال ۲۰۰۳، در پی رویدادهای

متعددی نظیر حادثه ۱۱ سپتامبر و پیامدهای مهم آن و همچنین ایجاد شرایط مناسب برای طرح جدی مسئله هسته ای ایران از سوی غرب، موضوع هسته ای ایران ابعاد بین المللی یافت (جعفری ولدانی، ۲۳۵: ۱۳۸۲). علیرغم چنین شرایطی، اتحادیه اروپا جهت حل و فصل بحران هسته ای جمهوری اسلامی ایران، راه حل دیپلماتیک را بر پیگیری سخت افزاری آن ترجیح داد. صدور بیانیه تهران نیز سرآغازی بر روند مذاکرات میان ایران و اتحادیه اروپا به شمار میرفت. بر همین اساس بود که اتحادیه اروپا با وجود اینکه هم چون ایالات متحده امریکا خواستار جلوگیری از هسته ای شدن جمهوری اسلامی ایران بود، اما راه حلی متفاوت را در قضیه هسته ای پی گرفت. با پیگیری سیاست دوسویه از جانب اتحادیه اروپا، پرونده هسته ای جمهوری اسلامی ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع داده شد و تنظیم پیشنهادش آن توسط دو کشور فرانسه و انگلستان صورت پذیرفت (ابراهیمی فر و آراین فر، ۱۰۹: ۱۳۸۹). پس از آنکه شورای حکام به قطعنامه پیشنهادی اتحادیه اروپا رأی مثبت داد، خاویر سولانا - هماهنگ کننده وقت اتحادیه اروپا - قطعنامه را نشانه اجماع کشورهای عضو حکام آژانس دانست و درعین حال تأکید کرد که هنوز درهای گفتگو باز است (گلشن پژوه، ۵۳: ۱۳۸۴). درنهایت اروپا از طریق مذاکره درصدد حل و فصل مسالمت آمیز بحران هسته ای ایران برآمد؛ زیرا اگر موفق به حل مسالمت آمیز این بحران میشد، میتوانست با این موفقیت توانمندی خود را در حل و فصل بحرانی بین المللی به نمایش بگذارد که خود ایجادکننده پرستیژ بین المللی برای اتحادیه اروپا بوده است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۶۸). با به بن بست رسیدن روابط ایران و اروپا و تشدید خصومت آمریکا بر سر پرونده هسته ای دولت نهم و دهم را بر آن داشت تا با نزدیکی به کشورهای آسیایی جایگزینی برای غرب بیابد. هم راستایی اتحادیه اروپا و آمریکا بر سر مسئله هسته ای یک استثناست نه یک اصل و در طول سه دهه گذشته سیاستهای اتحادیه اروپا در مقابل ایران، چندان با آمریکا همخوانی نداشته است. تا سال ۲۰۰۶ اتحادیه تحریم اقتصادی علیه ایران نگذاشته بود (Galbert, 2015: 1).

در واقع مسئله هسته ای تبدیل به بزرگترین سد در روابط دوطرف شد، سد بلندی که باعث شد اروپا با تمام ادعاهای حقوق بشری اش برخی از حقوق مسلم شهروندان ایران را در نظر نگیرد. به هر حال ضربه اصلی به روابط دو طرف اواخر سال ۲۰۱۲ آمد، وقتی که اتحادیه اروپا (منظور خود سازمان است) تحریمهای نفتی راعلیه (.) اگرچه پس از توافق هسته ای موسوم به برجام، فرصتی حاصل آمد (Korteweg, 2013: 12) ایران اعمال کرد.

تا تحریم‌های نفتی اقتصادی و مالی اتحادیه اروپا علیه ایران برداشته شود، لیکن با خروج آمریکا از توافق یادشده در سال ۲۰۱۸، اروپایی‌ها در عمل به تحریم‌های قبل برجام بازگشتند، هرچند که پابندی خود را به این توافق اعلام نموده و حتی از طریق ساز و کارهایی چون "ابراز حمایت از تبادلات تجاری" (INSTEX) کوشیدند تا سطحی حداقلی از مناسبات تجاری را با ایران حفظ نمایند، تلاشی که بی‌ثمر بود و عملاً شکست خورد (Fiedler, 2018: 296-299).

د: تحریم‌ها

از جمله اقداماتی که اتحادیه اروپا علی‌الخصوص از نیمه سال ۲۰۰۸ در پیش گرفت و هدف عمده آن جلوگیری از وقوع درگیری نظامی از سوی آمریکا و اسرائیل علیه تأسیسات نظامی و اقتصادی ایران بود، رویکرد فشار و تحریم‌های شدید بود که در دو سطح عمده یکی در چهارچوب شورای امنیت و دیگری در سطح اتحادیه اروپا. تحریم‌های بسیاری در طول این سالها تصویب گردیده که در زمینه‌های تجاری-اقتصادی، بانکی، نفت و گاز و بنزین، حمل و نقل و... در ایران را دربر می‌گیرد (خالوزاده، افضلی، ۱۳۹۰: ۲۹-۳۰). کشورهای عضو اتحادیه اروپا از سال ۲۰۰۷ سیاست تعامل و تقابل را در پیش گرفتند، از یک طرف تحریم و تهدید را در پیش گرفتند، که این روش مورد حمایت و رضایت آمریکا بود از سویی دیگر مذاکره و گفتگو. تحریم بانک ملی ایران از سوی کشورهای اروپایی و آمریکادر سال ۲۰۰۸ نشان از تحریم و مجازات‌های عملی آنان در مورد ایران بود. تمایل اروپاییان برای اعمال تحریم بیشتر. در واقع مسئله هسته‌ای تبدیل به بزرگترین سد در روابط دوطرف شد، سد بلندی که باعث شد اروپا با تمام ادعاهای حقوق بشری‌اش برخی از حقوق مسلم شهروندان ایران را نبیند. به هر حال ضربه اصلی به روابط دوطرف اواخر سال ۲۰۱۲ وارد آمد، وقتی که اتحادیه اروپا (منظور خود سازمان است) تحریم‌های نفتی را علیه ایران اعمال کرد (Korteweg, 2013: 12). سنگین‌ترین فشارها بر ایران وقتی وارد آمد که اتحادیه اروپا مسیر تجارت نفت خود با ایران را بست زیرا بزرگترین شریک تجاری ایران، همین نهاد بود و عمده صادرات ایران هم نفت بود، پس از این تحریم‌ها، ۸۶ درصد حجم واردات از ایران و ۲۶ درصد حجم صادرات به این کشور افت کرد. تحریم نفت ایران در اتحادیه اروپا ضربه‌ای سهمگین بر روابط اقتصادی ایران محسوب می‌شد و از این جهت این ضربه حتی از تحریم‌های شورای امنیت نیز موثرتر افتاد. در زمینه حقوق بشر گرچه اتحادیه اروپا تحریم‌هایی را اعمال کرده بود اما این تحریم‌ها (که عمدتاً پس از حوادث سال ۱۳۸۸ وضع شد) بیشتر بر روی اشخاص و موسساتی چند

تمرکز داشت، در نتیجه فشار شدیدی بر اقتصاد وارد نمی‌کرد. اثر تحریم‌ها بر کاهش مناسبات تجاری میان ایران و اتحادیه اروپا چنان شدید بوده است که حجم مناسبات دو کشور در سال ۲۰۲۱ بنا به آمار منتشره از سوی یورواستات به ۸/۴ میلیارد یورو رسید (Financial Tribune, 2022).

ر: موضوع حقوق بشر

در حقیقت از همان سالهای ابتدایی استقرار جمهوری اسلامی ایران، موضوع نقض حقوق بشر در ایران در دستور کار کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل قرار گرفت و طی سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ قطعنامه‌هایی در مورد وضعیت حقوق بشر ایران صادر شد که طی این قطعنامه‌ها مقرر شد نماینده‌ای ویژه برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران تعیین گردد که با امتناع ایران روبرو شد. از سال ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۲ هم‌ساله در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل این فرایند تکرار گردید، در طی این مدت اتحادیه اروپا نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری فضای بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران داشت (گلشن پژوه، ۶۵-۶۶: ۱۳۹۰). در گزارش سالهای ۲۰۰۹، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ پارلمان اروپایی درخصوص وضعیت حقوق بشر در جهان ذکر شده و همزمان در این مدت، جمعا هشت قطعنامه علیه وضعیت حقوق بشر در ایران صادر شده است. در مقابل، جمهوری اسلامی نیز با این دیدگاه که رفتار اروپا در مساله حقوق بشر، صرفا رفتاری سیاست‌زده و فرصت‌طلبانه است، در این دوران، سیاستی تهاجمی در حوزه‌ی حقوق بشر اتخاذ نموده، بارها با احضار سفرای اروپایی جهت ارائه‌ی توضیح در خصوص موارد نقض حقوق بشر در این کشورها، برخی از سیاستهای پیشین حقوق بشری خود، همچون تعامل با اروپائیان جهت کاستن از لحن منفی قطعنامه‌ها را به کناری نهاده و تلاش می‌نماید با استفاده از همراهی کشورهای همفکر در سازمانهای بین‌المللی، رویکرد غرب نسبت به موضوع حقوق بشر در جمهوری اسلامی را به چالش کشانده، با اتخاذ سیاستهایی آنان را از پیگیری بحث حقوق بشر در ایران و استفاده یا ابزاری از آن منصرف نموده، حداقل، هزینه‌ی آنرا برای ایشان زیادتیر نماید (گلشن پژوه، ۷۷-۷۶: ۱۳۹۰). اتحادیه اروپا در بیانیه‌های متعددی که صادر کرده از ایران خواسته است؛ به تعهدات بین‌المللی خود در زمینه‌ی حقوق بشر، شامل میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران در آن عضویت دارد، پایبند باشد. شورای اتحادیه اروپا با اتخاذ تدابیر محدودکننده‌ای از سوی اتحادیه اروپا (مسدود کردن دارایی‌ها و ممنوعیت صدور ویزا برای تعدادی از اشخاص که مسئول تخلفات جد بشری در ایران شناخته می‌شدند، اقدام نمود.

ز- تروریسم:

موضوع تروریسم از دیگر چالش‌های موجود در روابط ایران و اتحادیه اروپا می‌باشد. مهمترین موضوع در مبحث تروریسم، ادعای ارتباط ایران با برخی عناصر القاعده و حمایت از برخی گروه‌های عراقی، لبنانی و فلسطینی است که اتحادیه اروپا نظیر دولت آمریکا، آنان را در فهرست‌های گروه تروریستی قرار داد. این در حالیست که ایران آنچه را که دولتهای غربی تروریسم می‌خوانند، ایران آن را بخشی از مقاومت مشروع مردم فلسطین و لبنان در مقابل اشغالگری رژیم اسرائیل میدانند. ایران، حزب الله لبنان را یک حزب قانونی در سیستم سیاسی لبنان می‌داند، که در مقابل اشغالگری مبارزه می‌کند و معتقد است گروه‌های فلسطینی، بخشی از واقعیت انکارناپذیر فلسطین هستند (امیریک، ۱۳۹۱: ۱۲۵). اختلاف نظر ایران و اتحادیه اروپا در مسأله تروریسم نیز متأثر از همین مسأله بود. حمایت ایران از گروه‌های مقاومت و جهادی فلسطینی و لبنانی، علیه منافع رژیم اسرائیل بود و اتحادیه اروپا چنین حمایتی را حمایت از تروریسم تلقی میکرد. با چنین نگاهی، هرگونه اقدام علیه منافع رژیم اسرائیل و اتباع اسرائیل، به نحوی در چارچوب اتهام «حمایت ایران از تروریسم» تلقی میشد. چنین اختلاف نظرهایی موجب شده بود که به رغم این موضع که "ایران هیچگاه تهدیدی برای دیگر کشورها نبوده است" مورد قبول و باور اتحادیه اروپا قرار نگیرد (زنگنه، ۱۳۹۱). با حذف نام سازمان مجاهدین خلق از فهرست‌های گروه تروریستی اتحادیه اروپا، خشم ایران را سبب گردید، فشار بر تهران را نیز افزایش داد چراکه از نگاه رهبران ایران، این سازمان، خطرناکترین گروه مخالف جمهوری اسلامی است و آزاد بودن فعالیتهای مالی و سیاسی آن در سطح اتحادیه اروپا می‌تواند برای ایران تهدیدآمیز باشد. با این چالش حال، تروریسم بیش از آنکه اختلافی برخواسته از متن روابط ایران و اتحادیه اروپا باشد، تحت تأثیر دو عامل جانبی دیگر، یعنی روابط ایران و آمریکا و اهمیت اسرائیل برای غرب قرار داشت. بر این اساس، حداقل تا هنگامیکه راه حلی عادلانه و منطقی برای بحران خاورمیانه پیدا نشود، این چالش ادامه خواهد یافت (همان).

د. بحرانهای خاورمیانه و نقش ایران

صرفنظر از مسئله هسته‌ای اتحادیه اروپا بر اساس سند منتشر شده کمیسیون اروپا در سال ۲۰۰۱ در خصوص نحوه تعامل با ایران موضوعاتی از قبیل بحران پناهجویان، تروریسم، بحران سوریه و افغانستان و عراق و مسئله قاچاق مواد مخدر و محیط زیست را قرار داده است. و ایران امن برای اتحادیه اروپا به منزله امنیت خاورمیانه است. از این جهت سیاست خارجی ایران می‌تواند در راستای

منافع اتحادیه اروپا قرار گیرد (فلاحی، ۱۳۸۵: ۱۹۴-۱۹۳). بحرانهای موجود در خاورمیانه و وضعیت آشفته این منطقه برای اتحادیه اروپا بسیار نگران کننده می باشد. وجود جنگهای داخلی در عراق و سوریه و یمن و... و خشونت و درگیریهای قومی و مذهبی، همینطور جریان پناهندگان و مهاجرت مردمان کشورهای بحران زده نگرانیهای امنیتی و اقتصادی و اجتماعی دولتمردان اروپایی را بوجود آورده است و خاورمیانه عاری از آشوب و جنگ یکی از اهداف و منافع اتحادیه اروپا می باشد. به همین دلیل آمریکا از حضور ایران در مذاکرات حل مناقشات و بحران در سوریه، عراق و لبنان علیرغم اهداف متفاوت با اتحادیه اروپا حمایت کرد و این به منزله به رسمیت شناختن نقش ایران به عنوان یکی از بازیگران اصلی منطقه خاور میانه است.

به طور کلی، از منظر اروپایی ها به ویژه آلمان و فرانسه، برای مدیریت و حل و فصل بحران های منطقه ای در خاور میانه، ایران را باید بخشی از راه حل دید تا مسأله. به همین دلیل اروپایی ها همواره واشنگتن فشار آورده اند تا از مشارکت ایران در مذاکرات منطقه ای چه موضوع امنیت خلیج فارس و چه امنیت در کشورهای عراق، سوریه و لبنان و افغانستان حمایت نماید. حمایت اروپایی ها از حضور ایران در مذاکرات ژنو درخصوص آینده سوریه یک نمونه مهم در این رابطه می باشد. اتحادیه اروپا حتی از مذاکرات آستانه بین سه قدرت روسیه، ایران و ترکیه جهت حل بحران سوریه استقبال کردند (Katzman, 2022).

ه. مسأله آمریکا و خروج آن از برجام

این توافق که میان اتحادیه اروپا (فرانسه - آلمان و ایتالیا) چین و روسیه و ایالات متحده و ایران که در ژوئیه ۲۰۱۵ امضا شد به عنوان یک توافق مهم در منع گسترش سلاحهای هسته ای مورد استقبال قرار گرفت و نمونه یک دیپلماسی موفق چند جانبه در حل بحران های بین المللی از طریق مذاکره و مصالحه قلمداد می شود. اما در دوره ی ریاست جمهوری ترامپ در سال ۲۰۱۸ آمریکا از این توافق نامه بین المللی خارج گردید و در نتیجه تحریم ها و عدم تمایل بانکهای اروپایی باعث شد حجم تجارت دو جانبه بسیار کاهش یابد. ترامپ توافق هسته ای ایران را چالش برای آمریکا و متحدانش دانست و انتقادات شدیدی به دستگاه دیپلماسی آمریکا در خصوص توافق هسته ای با ایران وارد کرد. به طوری که در این خصوص در مصاحبه اش با نیویورک تایمز گفت: "در این توافق میلیاردها دلار پول به ایرانیان دادیم که نباید می دادیم" (Vatanka, July 2016). به چالش کشیدن برجام از جانب ترامپ در واقع سیاست واگرایی با اروپا، محسوب می شود، مضاف بر آنکه آمریکا نماد یک

کشور بی تعهد نسبت به پیمان‌های بین‌المللی قلمداد می‌گردد هر چند متحدان سنتی آمریکا حمایت صریح خود را از طریق ایجاد سازوکار ویژه مالی اروپا با ایران ابراز کردند و تمایل قطعی خود را برای تعامل دیپلماتیک با ایران در خصوص ادامه برجام ابراز کردند، تلاشی که همچنانکه ذکر شد به شکست انجامید. با روی کار آمدن بایدن به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا در انتخابات نوامبر ۲۰۲۰، باردیگر اتحادیه اروپا مساعی خود را بسیج نموده تا توافق برجام را احیاء نماید. حضور جوزف بورل در مراسم تحلیف ریاست جمهوری آقای رئیسی در مرداد ۱۴۰۰ یک نشان مهم در این زمینه بود. در حال حاضر که بیش از یکسال از عمر دولت رئیسی می‌گذرد اتحادیه اروپا تلاش‌هایی برای حل اختلافات ایران و آمریکا در چارچوب برجام صورت داده است، هر چند به دلیل عدم انعطاف آمریکایی‌ها در اجابت برخی از شروط ایران، فرجام برجام چندان روشن نیست (Adebahr, 2021:2-3).

فرصتها:

الف: موقعیت استراتژیک و ژئوپولیتیک ایران
موقعیت استراتژیک ایران در منطقه خاورمیانه از نظراً اتحادیه اروپا بسیار پراهمیت است، ایران به دلیل وجود منابع وسیع انرژی و همین‌طور به عنوان یک کشور قدرتمند نسبت به دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه می‌باشد اقتصادی از دست بدهد. متقابلاً همین مطلب در مورد ما نیز مصداق می‌یابد زیرا روابط با اتحادیه اروپا تأمین‌کننده پرستیژ، مقبولیت بین‌المللی و منافع محدود اقتصادی بوده است. جایگاه ژئوپولیتیک و منطقه‌ای ایران در خاورمیانه، نگاه خاص اروپا به ایران را برمی‌انگیزد. ایران به دلیل وجود تنگه استراتژیک هرمز که یکی از آبراه نفتی جهان بشمار می‌آید برای اتحادیه از اهمیت بسزایی برخوردار است. از آنجا که کشورهای دیگر خاورمیانه و کشورهای اطراف ایران به لحاظ سیاسی شرایط دشواری را تجربه می‌کنند، هیچ یک نمی‌توانند نقطه اتکای اروپا قرار گیرند و هیچ یک از کشورهای قفقاز، آسیای میانه، خلیج فارس، عراق، افغانستان و پاکستان از چنین جایگاهی برخوردار نیستند. از سوی دیگر، با توجه به حضور آمریکا در منطقه و ممانعت از حضور فعال سیاسی، اقتصادی و نظامی اروپا در این منطقه، هر نقشی که اروپا خواهان ایفای آن باشد فقط با حمایت و از مجرای کشورهای منطقه امکان‌پذیر خواهد بود. به هر حال، چنین موقعیتی برای اروپا بسیار مهم است و حاضر نیست بر سر آن با آمریکا معامله کند و این امر می‌تواند زمینه مساعدی برای توسعه روابط فراهم آورد.

ب: مسأله انرژی

نیاز دوطرف به یکدیگر در حوزه تجاری و اقتصادی و به خصوص در زمینه انرژی نیز از دیگر موضوعاتی است که می-تواند دوطرف را برای بهبود و گسترش روابط مصمم-تر کند. چالش ایران در بازار انرژی اروپا سهم خواهی از این بازار در حضور رقیب قدرتمندی چون روسیه است. بر طبق پیش بینی وزارت انرژی روسیه، این کشور تا سال ۲۰۴۰ همچنان سهم ۴۰ درصدی خود را از بازار گاز اروپا حفظ خواهد نمود که البته با توجه به پروژه های در حال انجام این کشور در صادرات گاز از طریق لوله به اروپا این پیش بینی دور از ذهن نیست (British (petroleum Company, 2019). وابستگی فراوان اتحادیه اروپا نیز به انرژی و اتکای بیش از حد این اتحادیه به روسیه به عنوان مهمترین منبع انرژی خود، عاملی است که باعث نگرانی فزاینده اتحادیه اروپا و تلاش برای یافتن منابع جدید انرژی در سال-های اخیر شده است. خلیج فارس بهترین گزینه برای اتحادیه اروپا در این زمینه است. اگرچه ایران همواره یکی از مهمترین منابع تامین نفت کشورهای اتحادیه اروپا بوده است، اما بحران-های اخیر و تحریم نفت ایران از سوی اتحادیه اروپا باعث شد تا این کشور بیش از پیش به شورای همکاری خلیج فارس نزدیک شود. با این حال، بهبود مجدد روابط می-تواند ایران را به جایگاه سابق خود در حوزه انرژی اروپا بازگرداند. همچنین با توجه به نیاز اتحادیه اروپا به گاز، تمایل این اتحادیه برای پایان دادن به انحصار روسیه در تامین گاز خود و منابع عظیم گازی ایران، صادرات گاز ایران به اروپا موضوعی است که اگرچه تحقق آن دشوار و زمان-بر خواهد بود، اما می-تواند منافع عظیمی برای دوطرف داشته باشد.

ج: اهداف اقتصادی اتحادیه اروپایی از رابطه با ایران

بطور کلی، برغم مشکلات متعدد سرراه و بی اعتمادی حاکم بر روابط کنونی، اتحادیه اروپایی به گسترش روابط اقتصادی و سیاسی با ایران علاقمند است، هر چند این علاقمندی در ظاهر چندان پررنگ نیست. در واقع، استراتژی جدید اتحادیه اروپا در قرن بیست و یکم، تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ اقتصادی و سیاسی در سطح جهانی است. این مهم مستلزم دسترسی به منابع جدید و استراتژیک و جذب کشورهای بالقوه و بالفعل قدرتمند است.. اتحادیه اروپا در ژانویه ۲۰۱۹ پروژه توسعه تجارت ایران - اروپا را راه اندازی کرد و هشت میلیون یورو به آن اختصاص داد. این پروژه پنج ساله با همکاری مشترک وزارت صنعت، معدن و تجارت ایران و مرکز تجارت بین المللی از طریق افزایش تجارت کالا و خدمات بین ایران و اروپا در صدد پیشبرد توسعه اقتصادی _ اجتماعی

ناپایدار در ایران است. براساس این پروژه، بخش‌های تجاری اولویت دار شامل گیاهان دارویی، میوه و سبزیجات، محصولات پتروشیمی، قطعات خودرو، فناوری ارتباطات و گردشگری در دستورکار روابط تجاری ایران و اروپا قرار گرفته است. (European union, 2021). انعقاد یک موافقتنامه تجارت و همکاری بین ایران و اتحادیه اروپایی یکی از مهمترین راه‌های گسترش و نهادینه کردن روابط با اتحادیه است و از این طریق بسیاری از موانع و محدودیت‌های اقتصادی با اتحادیه برداشته خواهد شد و فرصت‌های جدیدی برای بهره‌مندی از امکانات اقتصادی - تجاری اتحادیه بوجود خواهد آمد. در مقطع فعلی، اتحادیه به شدت نیاز دارد تا اوضاع اقتصادی را سامان بخشد، زیرا بدون دستیابی به این مهم، انگیزه‌ای برای اعضا در جهت ادامه عضویت باقی نمی‌ماند. نظر به آنکه اقتصاد ایران آخرین اقتصاد بزرگ دنیاست (که هنوز باز نشده) یعنی غربی‌ها به آن ورود پیدا نکرده‌اند (Korteweg, 2013: 23). اتحادیه اروپا می‌تواند با ورود به این محیط نسبتاً بکر اقتصادی، پیشرفت‌های چشمگیری را در زمینه رفاه و اشتغال خود شاهد باشد. اقتصاد ایران حتی در دوره تحریم نیز جزء اقتصادهای میانه و از جهاتی با اقتصاد گروه جی ۲۰ قابل مقایسه بوده است (Blockmans, 2016: 23). علاوه بر این، متنوع‌ترین اقتصاد را در منطقه دارد و پتانسیل خروج آن از اقتصاد تک محصولی بسیار بالاست (Eu strategy, 2016: 14 for Relation). با این اوصاف اتحادیه اروپا که قطعاً در پی افزایش قدرت اقتصادی خود برای حفظ نفوذ کلامش در سطح بین‌المللی است، می‌تواند با استفاده از این فرصت اقتصادی، وزنه خود در عرصه بین‌المللی را سنگین‌تر کند.

رابطه اقتصادی و تجاری اتحادیه اروپا با کشورهای منطقه خاورمیانه و آفریقا رابطه‌ای سودآور و منفعتی برای اروپا بوده است در شرایط کنونی یکی از مهمترین دغدغه‌های راهبردی اتحادیه اروپا تحکیم این روابط در رقابت با چین است (European Commission, 2021, pp. 18-19). قبل از قدرت‌گیری اقتصادی چین، اروپا شریک تجاری و یکی از مهمترین شریک‌های صنعتی ایران محسوب می‌شد. سؤال بزرگ این است که نفوذ اقتصادی چین در خاورمیانه چه پیامدهایی برای کشورهای اروپایی خواهد داشت؟ اروپاییها همچنان بهترین همکاریهای مالی و پروژه‌های همکاری اقتصادی را با ایران و کشورهای خاورمیانه دارند. توافق همکاری بلندمدت ایران چین و حضور اقتصادی پررنگ چین در ایران می‌تواند ایران را به یکی از کانونهای رقابت بین اروپا و چین در سالهای آینده تبدیل کند. در نتیجه ایران به دلیل موقعیت ممتاز ژئوپولیتیک، ذخایر انرژی و نیروی

انسانی ماهر میتواند از این رقابت اقتصادی در راستای منافع خود بهره ببرد.

نتیجه گیری:

روابط اتحادیه اروپا و ایران در طول چند دهه اخیر تحت تأثیر شرایط داخلی، تحولات منطقه ای و همینطور بین المللی بوده است و این شرایط تأثیر بسزایی در تنش و یا بهبود روابط فی مابین داشته است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و بروز حوادثی همچون گروگانگیری سفارت آمریکا، حکم ارتداد سلمان رشدی، دادگاه میکونوس، پرونده هسته ای ایران تأثیر بسزایی در کم رنگ شدن روابط ایران با اتحادیه اروپا داشته است. هرچند که اتحادیه اروپا در قبال ایران استراتژی مشخصی داشته است اما در روابط خود با ایران، با چالشهایی نیز مواجه بوده است. تفاوتهای هویتی، موضوع حقوق بشر، مسئله تروریسم، مخالفت آمریکا با توسعه روابط اتحادیه اروپا با ایران از جمله موانعی می باشد که اتحادیه اروپا در روابط خود با ایران مواجه است. با این حال اتحادیه اروپا تحت تأثیر اهداف مختلفی همچون توسعه روابط اقتصادی و انرژی و افزایش مبادلات تجاری در ایران و اثر گذاری ایران بر روند صلح در خاورمیانه، به دلیل قدرت و نفوذ ایران در این منطقه و همینطور موقعیت استراتژیک و ژئوپولیتیک ایران، تلاش می کند تا روابط سیاسی خود را علیرغم وجود چالشها و موانع گسترش دهد. اروپائیها خواهان ثبات در خاورمیانه می باشند. استفاده از پتانسیل های اقتصادی خاورمیانه بخصوص منابع عظیم انرژی و همانطور که ذکر شد بحث تروریسم و تهدیدات گروههای تکفیری که ممکن است به اروپا هم کشانده شود و جاری شدن سیل پناهندگان به اروپا از جمله مواردی است که برای اروپا جای بسی نگرانی ست و از ایران به عنوان فرصتی برای دستیابی به این اهداف می تواند بهره ببرد. علیرغم چالشهای موجود در روابط میان ایران و اتحادیه اروپا، بخصوص مسأله هسته ای ایران، اتحادیه اروپا به ایران به عنوان بخشی از راه حل و نه مسأله در حل و فصل بحران های منطقه ای در خاور میانه می نگرد. با اینحال، آنچه که از اهمیت بالایی برخوردار است آن است که بدون حل و فصل مذاکرات اتمی و احیای برجام، ترسیم هر گونه چشم انداز از سرگیری مناسبات تجاری کامل میان ایران ایران و اتحادیه اروپا عملاً غیرممکن است. به نظر می رسد که بحران اوکراین و افزایش نیاز اروپا به منابع جایگزین دیگر برای تأمین انرژی نفت و گاز مورد نیاز خود (که به دلیل کاهش واردات آن از سوی روسیه، چالشی اساسی مواجه شده است) انگیزه اروپایی ها را برای احیای برجام با هدف باز گرداندن دوباره نفت به بازارهای بین المللی شدیدتر نموده است. با این حال، اینکه تا چه اندازه میانجی گری اتحادیه اروپا میان ایران و آمریکا برای حل و فصل

اختلافات خود در چارچوب مذاکرات اتمی موفق خواهد بود، موضوعی است که چشم انداز روشنی برای آن قبل ترسیم نیست.

منابع

- ابراهیمی فر، طاهره و آرین فر، نرگس (۱۳۸۹). "نقش اتحادیه اروپا در معادله هسته ای ایران"، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره دهم.
- آقایی، داوود (۱۳۸۸). *اتحادیه اروپایی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات سرای عدالت.
- امیربیک، علی (۱۳۹۱). *چالش‌های اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران*، ۲۳ اردیبهشت.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۲). "ایران و اروپا، از گفتگوی انتقادی تا مشارکت اقتصادی".
- خالوزاده، سعید، (۱۳۹۱). *نقش مبادلات تجاری و همکاریهای اقتصادی در روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپایی*، ایران و اتحادیه اروپا: تجارت و چشم اندازها، جلد ۱، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۴). "گفتگوهای هسته ای ایران و اروپا از آغاز تا نشست بروکسل"، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، سال نوزدهم، فروردین - اردیبهشت.
- زنگنه، حمید (۱۳۹۱). "برآورد و تحلیل روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا"، خبرگزاری فارس
- سلطانی نژاد، احمد و مهدی شاهپوری (۱۳۹۵). "رویکرد اتحادیه اروپا به مسئله هسته ای ایران"، فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره اول.
- عباسی اشقی، مجید (۱۳۸۸). "مطالعه نظری سیاست خارجی دوجانبه اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علوم سیاسی، پائیز، ۱۳۸۸، شماره ۱۳۸۸.
- فلاحي، علی (۱۳۸۵). *روابط ایران و اتحادیه اروپا، کتاب اروپا*، ابرار معاصر تهران.
- قائم پناه، صمد (۱۳۹۷). "بررسی روابط اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران در دوره پسابرجام"، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم.
- قوام، سید علی (۱۳۸۴). *نظریه‌ها و رویکردها*، سمت
- قوام، سیدعلی و داود کیانی (۱۳۹۰). *سیاست و امنیت، مطالعات راهبردی*.
- گلشن پژوه، محمود رضا (۱۳۸۴). *پرونده هسته ای ایران (۲) روندها و نظرها*، چاپ اول، تهران مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

– گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۹۰). حقوق بشر و جایگاه آن در سیاست اتحادیه اروپا در قبال ایران، ابرار معاصر

– مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۴). تحول در نظریه های روابط بین الملل. تهران، سمت

– مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۹۱). تحول در نظریه های روابط بین الملل، تهران: سمت.

– نجات پور، مجید؛ آذرگون، عبادالله؛ یوسفی جویباری، محمد (۱۳۹۴). "مؤلفه های تأثیرگذار بر رویکرد اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران در دولت دهم"، سال دوم، شماره ۵

- Adebahr, Cornelius (2021). "Looking Beyond Iran to The Persian Gulf", DGAP Memo, No. 5, September.
- Blockmans, Steven (2016). "EU Iran Relations after Nuclear Deal", 30 may, CEPS ebook/see: <http://www.ceps.eu/ceps-publications/eu-iran-relations-after-nuclear-deal/British Petroleum Company> (2019), BP Statistical RrvieW Of Word Energy Report, BP: London, UK.
- European Commission (2021e), Trade Policy Review - An Open, Sustainable and Assertive Trade Policy. COM (2021) 66 final. Brussels.
- European Union (2021). EU – Iran Trade Development. Available online at <https://www.intracen.org/EU-Iran/>, updated on 9/29/2021, checked on 9/29/2021 11- Fiedler, Radoslaw (2016), Iran and The European Onion After The Nuclear Deal, CES Working Paper, available : <http://hdl.handle.net/10419/198546>
- Financial Tribune (2022). "Irans 2021 Trade With EU Hit E4.8 Billion" 27, available: <https://financialtribune.com/articles/domesticeconomy/112638/irans-2021-trade-with-eu-hit-48-billion>.
- Galbert, simond (2015). "Back to the Future", Center for Strategie& International Studies (CSIS), see: <https://www.csis.org/analysis/back-future>
- Katzman, Kenneth (2022). "Explainer: Raisi's First Year In Power", The Iran Primer, available : <https://iranprimer.usip.org/blog/2022/aug/02/explainer-raisis-first-year-power>.
- Korteweg, Rem (2013). "EU and Iran", Center for European Reform (CER) see: www.cer.org.uk.
- Vatanka, Alex (2016), U.S.-Iran Relations: Recommendations for the Next President available at: <http://www.mei.edu/sites/default/files/publications/PF17-Vatanko-Iran-us-web.pdf>